

# استراتژی آمریکا در قبال ایران: اعاده بازدارندگی توانمندسازی دیپلماسی

به قلم [مایکل آیزنستات \(/fa/experts/maykl-ayznstat-0/\)](#)، [توری اسچاگ \(/fa/experts/twry-aschag/\)](#)، [دیوید دپتولا \(/fa/experts/dywyd-dptwla/\)](#)

۱۴ فوریه ۲۰۲۰

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/us-strategy-toward-iran-restoring-deterrence-enabling-diplomacy  
العربية (/ar/policy-analysis/alastratyjyt-alamrykyt-tjah-ayran-aadt-ahlal-alrd-wtmkyn-aldblwmasyt/)

درباره نویسنده



[مایکل آیزنستات \(/fa/experts/maykl-ayznstat-0/\)](#)

مایکل آیزنستات هموند دیوید کان و داگلاس کان و مدیر برنامه مطالعات امنیتی و نظامی انستیتو واشنگتن است



[توری اسچاگ \(/fa/experts/twry-aschag/\)](#)



[دیوید دپتولا \(/fa/experts/dywyd-dptwla/\)](#)

تحلیل کوتاه

## سه کارشناس در این باره بحث می‌کنند که واشنگتن چگونه می‌تواند ضمن تداوم استفاده از ابزارهای نظامی برای اعمال فشار افزایش تنش را مدیریت کند و دیپلماسی را به کار اندازد

در ۷ فوریه مایکل آیزنستات *گری شیک* و ژنرال دیوید دپتولا (بازنشسته نیروی هوایی ایالات متحده) در میزگرد «مباحث سیاست‌گذاری» در انستیتو واشنگتن شرکت کردند. آیزنستات هموند کان در انستیتو و مدیر برنامه مطالعات نظامی و امنیتی است. دپتولا رئیس انستیتوی مطالعات هوافضای میچل است. شیک مدیر مطالعات سیاست دفاعی و خارجی در انستیتوی آمریکن انترپرایز است. متن زیر خلاصه گفته‌های آنان به قلم یک گزارشگر است.

### مایکل آیزنستات

در ماه مه ۲۰۱۹ در پاسخ به سیاست فشار حداکثری ایالات متحده ایران کارزار فشار متقابل با هدف واداشتن واشنگتن به تسهیل یا رفع تحریم‌ها راه انداخت. در این کارزار از «منطقه خاکستری» بین جنگ و صلح به طور وسیعی استفاده شد. بازیگران منطقه خاکستری به گمانه‌زنی و آزمایش روی می‌آورند تا ببینند چه نوع اقداماتی را می‌توانند بدون مجازات عملی کنند. آنها از طریق فعالیت‌های پنهانی

یا نیابتی و کنش فزاینده ابهام‌افزینی می‌کنند تا طرف‌های مقابل را نسبت به نوع واکنش دچار تردید و تزلزل کنند. آنها از درگیری نظامی قاطع اجتناب می‌کنند و همه این کارها را به منظور پیشبرد برنامه برهم‌زدن وضع موجود در عین مدیریت ریسک کاستن از احتمال افزایش تنش و اجتناب از جنگ انجام می‌دهند. استراتژی منطقه خاکستری ایران و پیشنهاد استراتژی متقابل برای منطقه خاکستری آمریکا که در زیر می‌آید با جزئیات بیشتر تحت عنوان عمل در منطقه خاکستری: مقابله با شیوه جنگی نامتقارن ایران

[https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/operating-in-the-gray-zone-countering-irans-](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/operating-in-the-gray-zone-countering-irans-asymmetric-way-of-war)

**asymmetric-way-of-war**) در گزارش انستیتو واشنگتن به‌تازگی منتشر شده است.

با آنکه امکان افزایش تنش و کشمکش وسیع‌تر با ایران دوازدهمین نیست جنگ «تمام‌عیار» نامحتمل است مگر اینکه ایالات متحده بخواهد چرا که روال کار ایران در منطقه خاکستری هدفی جز این ندارد که از جنگ تمام‌عیار پرهیز کند. پزیدنت ترامپ هم به نوبه خود بارها اعلام کرده که خواستار جنگ با ایران نیست.

ایالات متحده همواره در پاسخ موثر به استراتژی منطقه خاکستری ایران مشکل داشته و دولت فعلی نیز استثنا نیست. از ماه می گذشته دولت آمریکا بین خویشتن‌داری شدید و واکنش‌هایی بالقوه تنش‌زا مانند کشتن هدفمند قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس در نوسان بوده است. مرگ او لایه دیگری از پیچیدگی به بازی چندمرحله‌ای و پیچیده موجود افزود. نخست میل انتقام از کشته شدن قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس فرمانده نیروهای شبه‌نظامی کتائب حزب‌الله است. آیا حمله موشکی تلافی‌جویانه ایران به پایگاه هوایی الاسد در عراق پرونده سلیمانی را بست یا تهران تلاش خواهد کرد که در پاسخ یک افسر نظامی عالی‌رتبه آمریکا را بگذرد از بابت نیروهای نیابتی ایران در عراق هم واقع‌بینانه است اگر بپنداریم که انتقام المهندس هنوز گرفته نشده است.

عامل دیگری که باید در نظر گرفت تأثیرات سیاست داخلی است. تندروهای ایران در تلاش بوده‌اند که رقبای محافظه‌کار و عملگرای خود را به حاشیه برانند. همچنین کشور کماکان دستخوش ناآرامی‌های عمومی است چنان‌که عراق و لبنان نیز چنین اند و همه این مسائل ممکن است بر تصمیمات آینده ایران اثر بگذارد. در واقع واکنش ایران به کشته شدن سلیمانی که بر خلاف معمول فوری و سریع بود ممکن است تحت تأثیر سیاست داخلی و به عنوان راهی برای نمایش عزم و اراده اتخاذ شده باشد تا اپوزیسیون برداشت ضعف نکند و از وضعیت ایجادشده استفاده نکند. ایران و ایالات متحده هر دو در سال انتخابات قرار دارند. ایران حتی ممکن است در تلاش برای جلوگیری از انتخاب مجدد پزیدنت ترامپ نوعی «سورپرایز اکتبر» ایجاد کند.

پرسش دیگر این است که آیا کشتن سلیمانی توان بازدارندگی ایالات متحده را اعاده کرده است بازدارندگی بازه مصرف کوتاهی دارد و باید دایما از آن مراقبت کرد. ایران تلاش خواهد کرد عزم ایالات متحده را محک بزند و واشنگتن باید به این محک‌زدن‌ها پاسخ محکمی بدهد وگرنه ممکن است تهران جسورتر شود.

رهبران ایران در دوران پسا-سلیمانی با دوره‌های متعددی روبه‌رو هستند. کارزار تهاجمی آنها برای شان معافیت از تحریم به ارمغان نیاورد و به بهای جان برجسته‌ترین فرمانده نظامی‌شان تمام شد. افزایش بیشتر تنش با آمریکایی که پیش‌بینی‌ناپذیر باشد با ریسک چشمگیری همراه است. اکنون آنها باید از خود بپرسند آیا ترور سلیمانی نشان‌دهنده رویکرد تازه‌ای از سوی ایالات متحده است یا رخدادی منفرد بوده است.

به علاوه بیرون‌راندن نیروهای ایالات متحده از عراق عواقب زبان‌بار متعددی برای ایران خواهد داشت: یک اهرم فشار نیرومند بر واشنگتن از دست خواهد رفت تحریم‌هایی که آمریکا عراق را به آن تهدید کرده نیز به ایران آسیب خواهد رساند و ایران ناچار خواهد بود بار سنگین مبارزه با نیروهای داعش را در آینده به تنهایی به دوش بکشد. آیا منافع اخراج آمریکایی‌ها بر این زبان‌های بالقوه می‌چربد

همه این عوارض مرتبط با موضوع سلیمانی نیاز به اتخاذ استراتژی منطقه خاکستری از سوی آمریکا نسبت به ایران را برجسته‌تر می‌کند. فعالیت‌های مخفی یا اقداماتی که مسئولیتش به عهده گرفته نشود کمتر احتمال دارد تلاش‌های ایالات متحده برای مذاکره بر سر قرارداد جدیدی با تهران را مختل کند. همچنین اثر مختل‌کننده آنها بر سیاست‌های داخلی ایالات متحده کمتر خواهد بود و سیاست دولت در داخل را پایدارتر خواهد کرد. به علاوه این نوع فعالیت‌ها با محیط عملیاتی همخوانی بیشتری دارند یعنی احتمال کمتری هست که در مناطقی مثل عراق واکنش شدید سیاسی برانگیزند. همچنین با الزامات رقابت استراتژیک درازمدت هماهنگ‌تر است که در آن برنده بیشتر با کسب امتیاز تعیین می‌شود تا ضربه فنی. سرانجام اینکه این اقدامات با استراتژی دفاع ملی که به دنبال انتقال کانون توجه و نیروهای نظامی آمریکا به منطقه اقیانوس هند-و-آرام است سازگاری بیشتری دارد.

عناصر اصلی استراتژی پیشنهادی منطقه خاکستری آمریکا شامل موارد زیر است: پاسخ قاطع به محک‌زدن‌های ایران به منظور تقویت بازدارندگی استفاده از مجازات و انکار توامان به منظور بازدارندگی کاربرد عملیات مخفی هر زمان ممکن بود و عملیات آشکار هر جا ضروری است پیگیری رویکردی متوازن که هم از خویشتن‌داری بیش‌ازحد اجتناب کند و هم از تنش‌زایی نا لازم عمل‌کردن به شیوه غیرقابل‌پیش‌بینی و نامتقارن به منظور بهره‌برداری از اشتغال‌خاطری که برای ایران ایجاد می‌کند همراه با مدیریت ریسک تغییر چارچوب

انگیزشی تهران با خودداری از گیرانداختنش در کنج اقدامات طولانی‌مدت و نه بزرگ به منظور امتیازگیری با کسب دستاوردهای فزاینده به جای عملیات سریع و قاطع و گسترش گزینه‌های منطقه خاکستری به نحوی که تنش‌زایی شدید تنها گزینه مقامات ایالات متحده نباشد.

## گری شیک

نظریه دولت ترامپ این بود که سلیمانی در تدوین استراتژی ایجاد اتحاد و اجرای جنگ نامتقارن منحصربه‌فرد است. از دید آنها او عمق استراتژیک مؤثری برای ایران ساخته بود. با اینکه این ارزیابی تا حد زیادی درست است دوران اوج استراتژی سلیمانی ظاهراً پیش از مرگش سپری شده بوده است. او که به شدت ذهنش درگیر کسب اعتبار بود امکان بهره‌برداری از جمعیت‌های ناراضی شیعه را به تدریج از دست می‌داد و تظاهرات در لبنان و عراق نشانگر این وضعیت بود. با نظر داشت این نکته شاید می‌شد او را به حال خود گذاشت و شکستش را تماشا کرد و نظیر آن استراتژی که علیه القاعده به کار گرفته شد علیه او هم استفاده می‌شد یعنی هدف قراردادن نفرات بعد از رهبری قابل توجه است که واشنگتن به حملات ایران علیه کشتی‌های بی‌طرف و تاسیسات نفتی عربستان سعودی قبل از هدف قراردادن سلیمانی پاسخ آشکاری نداده بود و این موضوع متحدان آمریکا را نسبت به امنیت‌شان عمیقاً نگران کرده بود.

دولت با ارسال پیام از طریق سفارت سوئیس و انجام اقداماتی در جهت مدیریت تنش پیامدهای مرگ سلیمانی را به‌خوبی هدایت کرد. بیانیه‌های وحشت‌زده ایران مبنی بر اینکه حمله موشکی تنها واکنش آنها خواهد بود به تثبیت وضعیت کمک کرد و پیش‌دستی دولت ترامپ هم کسب این نتیجه را تسهیل کرد. با این حال بعید است که تهران به همان یک تلافی قناعت کند چرا که این کار مقرر تأییدی بر ادعای دولت ترامپ خواهد بود که فقط سلیمانی توان بسیج واکنش‌های نامتقارن داشته است. در واقع به نظر می‌رسد رژیم همین حالا در حال برگشت به وضعیت پیشین است و نیروهای نیابتی‌اش اهداف آمریکایی را در عراق با راکت هدف قرار می‌دهند.

مقامات آمریکایی اگر بخواهند بازدارندگی را اعاده کنند باید با متحدان‌شان کار کنند. اما دولت‌های خلیج فارس دارند تشخیص می‌دهند که واشنگتن متحدی غیرقابل‌اطمینان است مگر با شرکای معینی که با آنها ارزش‌های مشترک عمیق دارد و حتی در آن موارد هم نمی‌توان کاملاً به واشنگتن اتکا کرد. وضعیت عراق حتی از این هم پیچیده‌تر است چرا که بغداد به یاری آمریکا نیازمند است و در عین حال می‌خواهد فعالیت‌های ایالات متحده را محدود کند. در روبرویی با این معضلات همه طرفین باید به خاطر داشته باشند که اطلاعات محرمانه‌ای که واشنگتن از انجام عملیات در دیگر کشورها و همکاری با آنها به دست می‌آورد بسیار ارزشمند است.

متحدان آمریکا مردود بوده‌اند که آیا در موضوع همکاری دریایی در خلیج فارس به نیروی تحت فرماندهی آمریکا بپیوندند یا نه. تعداد کشورهای عضو نیروی دریایی اتحادیه اروپا که تحت فرماندهی فرانسه است از تعداد کشورهای عضو تحت فرماندهی آمریکا بیشتر است. استراتژی دولت ترامپ که با اعزام ۱۴۰۰ نیروی دیگر به منطقه و قتل‌های هدفمند در پی اطمینان‌بخشی بود ناکافی است. آنچه شرکای آمریکا را نگران می‌کند فقدان توانمندی نظامی نیست بلکه فقدان اعتماد سیاسی است.

بهترین شانس واشنگتن رهبری از پشت صحنه است. دولت اوباما «رهبری از پشت صحنه» را بدنام کرد اما اگر به شیوه درست انجام شود سیاست بسیار خوبی است. اکنون زمان مناسبی است که با حمایت بی‌سروصدا از دوستان و تقویت آنها با نیروی ایالات متحده این سیاست را در خاورمیانه عملی کنیم.

## دیوید دیتولا

احتمال جنگ تمام‌عیار با ایران بالا نیست. هدف اصلی تهران بقای رژیم است و دولت ترامپ علاقه‌ای به جنگ دیگری در خاورمیانه ندارد. افزایش تنش کنترل‌ناپذیر ممکن است اما احتمالش زیاد نیست. پرزیدنت ترامپ «تلفات آمریکایی‌ها» را خط قرمز قرار داد و به تهران هشدار داد که از این خط قرمز عبور نکند. وقتی نیروهای نیابتی ایران یک پیمانکار آمریکایی را در عراق کشتند او برای دفاع از افراد و منافع آمریکایی به قولش وفا کرد.

حذف سلیمانی با استراتژی سه‌بخشی واشنگتن هم‌راستا است: (۱) مهار فعالیت‌های شورانگیز ایران (۲) کاستن از نفوذ ایران در منطقه و (۳) جلوگیری از تهاجم بیشتر آن. در این میان نقش عنصر بازدارنده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای اینکه بازدارندگی مؤثر باشد رهبران ایران باید بفهمند که ایالات متحده از قدرت خود استفاده خواهد کرد.

کشتن سلیمانی پیام بسیار نیرومندی فرستاد چرا که او در کوتاه‌مدت جایگزین‌ناپذیر است. او تروریست درجه اول ایران رهبر ایدئولوژی انقلابی آن و متفکر استراتژیک مهمی بود. دست‌کم برای مدتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قدرت تطابق کمتری خواهد داشت و زبردستان سابق سلیمانی به‌سختی خواهند توانست جای خالی او را پر کنند.

در مسیر پیش رو ترس از عواقب نباید مانع عملکرد قاطع و تهاجمی ایالات متحده شود که گاهی ممکن است ضروری باشد چرا که انفعال می‌تواند احتمال حملات بیشتر را افزایش دهد. موثرترین راه برای اجتناب از جنگ با ایران این است که رهبران آن را متقاعد کنیم که تداوم حملات هزینه بسیار بالایی خواهد داشت. ایالات متحده می‌تواند هزینه‌های ویرانگری بر ایران تحمیل کند درحالی‌که تهران فاقد امکانات لازم برای واکنش برابر است و از همین رو درعوض به نیروهای نیابتی و تروریسم متکی است.

واشنگتن همچنین باید از رویکرد فعلی‌اش که با مقتضیات زمانه ناهمخوان است و بر این فرض متکی است که مانور زمینی در ابعاد وسیع عنصر غالب جنگ است فراتر رود. هماهنگی موثر یعنی استفاده از نیروی مناسب در مکان مناسب در زمان مناسب نه استفاده از همه نیروها در هر زمان و هر مکان. اگر عملیات قدرتمندانه‌تری از سوی آمریکا ضرورت پیدا کند کاربرد متناسب نیروی هوافضا همراه با عملیات سایبری تهاجمی می‌تواند سبب سقوط اقتصاد ایران شود. نیروی نظامی آن را از کار بیندازد برنامه هسته‌ای‌اش را نابود کند و به نفوذ منطقه‌ای‌اش پایان دهد. ظرفیت پالایشگاهی شبکه توزیع نفت و شبکه برق ایران را که همگی حیاتی هستند می‌توان بدون نیاز به هیچ نیروی زمینی آمریکایی و فقط با ابزارهای فوق بی‌اثر کرد.

بر این اساس اگر ایران باز هم علیه افراد و منافع ایالات متحده دست به تهاجمی بزند واشنگتن نباید از استراتژی‌هایی که در طی نوزده سال گذشته در افغانستان و عراق استفاده کرده پیروی کند. آن استراتژی‌ها با اعزام صدها هزار نیروی زمینی برای اشغال درازمدت ملت‌سازی و عملیات ضدشورش همراه بود. هیچ‌یک از این گزینه‌ها در داخل آمریکا محبوبیتی ندارند و در ایران هم قابل اجرا نیستند. برای دستیابی به نتایج مطلوب در اسرع وقت هر نوع عملیات در ایران باید مطابق الگوی ضربات قاطع باشد که در سال ۱۹۹۱ و طی عملیات توفان صحرا در عراق انجام شد.

خلاصه اینکه بهترین راه بازدارندگی ایران تقویت توانمندی‌های کاربرد نیروی هوافضای آمریکا در منطقه است تا توان مرگبار خود را به نمایش بگذارد بدون اینکه آسیب‌پذیری نیروهای خودی را افزایش دهد. این همان کاری است که نیروی نظامی ایالات متحده از زمان رخدادهای اوایل ژانویه بی‌سروصدا مشغول آن بوده است و بالاخره ایران دارد پیام را دریافت می‌کند.

*\*این خلاصه به قلم هانا کویه تهیه شده است. هزینه برگزاری نشست‌های مباحث سیاست‌گذاری با سخاوت خانواده فلورنس و روبرت کوفمن تامین می‌شود.*



## RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

### Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

نویسنده: فوریه ۲۰۲۲

Farzin Nadimi

[\(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology\)](/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology)



## BRIEF ANALYSIS

### Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

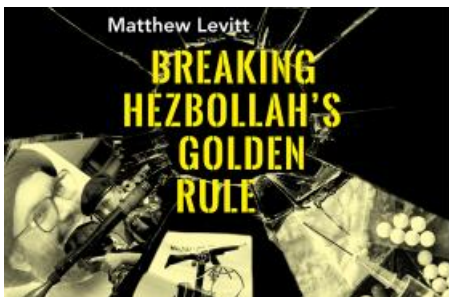
---

۱۱ فوریه ۲۰۲۲



Simon Henderson

[\(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism\)](#)



## ARTICLES & TESTIMONY

### Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

---

۹ فوریه ۲۰۲۲



Matthew Levitt

[\(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule\)](#)

## TOPICS

[\(fa/policy-analysis/khlyj-w-syast-hwzh-anrzhy/\)](#) خلیج و سیاست حوزه انرژی

[\(fa/policy-analysis/syast-amryka/\)](#) سیاست آمریکا

[\(fa/policy-analysis/nzamy-w-amnyty/\)](#) نظامی و امنیتی

## REGIONS & COUNTRIES

[\(fa/policy-analysis/raq/\)](#) عراق

[\(fa/policy-analysis/ayran/\)](#) ایران

[\(fa/policy-analysis/kshwrhay-hashykhlyj-fars/\)](#) کشورهای حاشیه خلیج فارس